



پیام گروبی در پی شهادت سیدحسن نصرالله

مهدی کروبی در پیامی شهادت سیدحسن نصرالله را تسلیت گفت. در این پیام آمده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ». شهادت مجاهد فی سبیل الله حضرت حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله، دبیرکل فقید حزب الله لبنان را به همه ی آزادگان جهان و مسلمانان به خصوص مردم عزیز ایران و لبنان تسلیت عرض می کنم. بنیان رژیم غاصب صهیونیستی از بدو تأسیس تاکنون بر جنایت، تجاوز و نسل کشی فلسطینیان استوار بوده و هست. در یک سال گذشته رژیم جنگ طلب اسرائیل در پرتو حمایت شرم آور آمریکا و سکوت مجامع بین المللی بی محابا مرتکب جنایات کم نظیر جنگی در غزه علیه مردم ستم دیده و بی دفاع فلسطین شده است؛ به نحوی که تاکنون جان بیش از ۴۰ هزار زن و کودک مظلوم را ستانده است. حزب الله و رهبر فقید آن براساس آموزه های قرآنی به حمایت از ملت مظلوم فلسطین برخاستند و در این مسیر آماده پرداخت هر هزینه ای بودند. شهادت در راه خدا بالاترین درجه از ایثار و جان فشانی است و برای مبارزی همچون سیدحسن شهادت آرزویی دیرینه در جهت وصال به ساحت نورانی معبود است. مقاومت واکتشی است در قبال اشغال، ظلم، جنایت و بی عدالتی و صدا البته در هر کجای این کره خاکی ظلم و جنایت و بی عدالتی صورت گیرد، مقاومت و ایستادگی هم شکل خواهد گرفت. ارزش های اخلاقی، انسانی و دینی به ما می آموزد که همواره باور مظلوم و در مقابل ظلم و ظالم باشیم. از خداوند متعال برای آن مجاهد شهید و یارانش و دیگر شهدای این روزهای لبنان علو درجات را مسئلت دارم.»



تدبیر مشترک دولت‌ها راه مقابله با اسرائیل

حزب اتحاد ملت در پیامی نسبت به شهادت سیدحسن نصرالله واکنش نشان داد و نوشت: «ما بار دیگر به تمام نهادهای بین المللی، شورای امنیت سازمان ملل و قدرت‌های حامی دولت افراسی صهیونیستی اعلام می کنیم که مهار زدن بر خوی تجاوز و جنایت آنها، می تواند تمامی منطقه و چپسای بسیاری دیگر از نقاط جهان را به کام خشونت کور و بدعاقت بکشاند. در این میان تدبیر مشترک دولت‌ها و اتحاد و انسجام ملت‌های منطقه راه بر تجاوزگری و گسترش جنگ و جنایت و آدم کشی این جرثومه سیاهی و تباهی خواهد بست.»



انتقام خون شهدا را دنبال می کنیم

رسول سنایی‌راد، معاون سیاسی دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا در گفت‌وگو با ایلنا گفت: «در پاسخ به حملات تروریستی اسرائیل، جنبه مقاومت هویت و بقای خود را به دست آورده است. با توجه به ضربات مهلکی که در ۱۵ مهر و عملیات طوفان الاقصی بر رژیم صهیونیستی وارد شد، باید آن را در جهاد حزب الله و حمایت‌های ایران جست‌وجو کرد. بی تردید ما حق مسلم خود را در انتقام خون پاک شهیدان دنبال خواهیم کرد و به موقع چنین اتفاقی خواهد افتاد، اما نه براساس طرح و نقشه‌هایی که صهیونیست‌ها برای ما نظر گرفته‌اند.»

نگاه میانه‌رو

غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی نماینده سابق مجلس

با ورود رهبری می شود تندروها را مهار کرد

و خونریزی است؟ تندروها حاضر نشدند تا غزه یا لبنان بروند. در حال حاضر راه باز است و اگر عاشق جنگ هستند سریع به لبنان اعزام شوند و نگران داخل کشور هم نباشند. اما من مسلم می دانم با وجود پریکت رهبری منطقی و عاقل، ایران وارد جنگ نخواهد شد. **برخی از تندروها معتقدند پیام رهبری مبنی بر اینکه «مسلمانان جهان در کنار لبنان بایستند» به معنای فتوای جنگ است. نظر شما در این مورد چیست؟**

هر کسی دوست دارد در این جهاد شرکت کند به لبنان اعزام شود. اول هم از مجلس شروع کنیم. این به معنای ورود ایران به جنگ نیست. بلکه به این معناست که مسلمانان جهان لبنانی‌ها را تنها نگذارند. بنابراین این آقایان که تابع فتوای جهاد هستند، به لبنان اعزام شوند تا در این جهاد شرکت کنند.

پزشکیان در انتخابات چهره‌ای بود که با شعار صلح و تنش زدایی در عرصه سیاست خارجی شناخته شد و در برابر چهره‌هایی بودند که از رویکرد متفاوت و جنگ سخن می گفتند؛ همانطور که الان هم جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای نزدیک به نامزد رقیب به اهرم فشاری در همین راستا تبدیل شده‌اند. برای کاهش این دو قطبی، حملات و فضا سازی‌ها علیه دولت در شرایط کنونی چه می توان کرد؟

محور تصمیم گیری و تصمیم سازی دولت رهبری و مردم هستند. مقام رهبری عاقل، منطقی، دنیادیده و سیاستمدار بزرگی هستند، مردم نیز در جامعه متقاضی عدم ورود به جنگ هستند. مسلماً ایران نه شرایط جنگ را دارد نه شرایط جنگ را ایجاد می کند. بعید می دانم پزشکیان در این امر گروه بیفتد چرا که عاقل تر از این حرف‌هاست. به ویژه با وجود آقایان ظریف و عراقچی و این خبرگان سیاسی دنیا که در کنار ایشان هستند.

عملکرد احزاب چهره‌های سیاسی چطور به وفاق بیشتر در جامعه می انجامد؟

وفاقی که پزشکیان از آن سخن می گوید به صورت صد درصد در کشور اتفاق نمی افتد. چرا که یک درصد کوچکی از اقلیت در کشور به هیچ صراطی مستقیم نیستند. آنها تمامیت خواه مطلق هستند. اما بقیه احزاب روشنگر، معتدل اصلاح طلبان و افراد سیاسی دلسوز نظام کمک کنند که این وفاق برای اولین بار رقم بخورد. در حال حاضر کشور با صبر و حوصله اداره می شود که قابل ستایش است. در حال حاضر سیاسیون منطقی در کشور داریم که می دانند چه کار می کنند و اسیر احساسات نمی شوند. درست مانند زمان حمله آمریکا به عراق، که ایران خوشبختنداری و مدیریت کرد. ایران اتفاق لبنان را هم مدیریت می کند اما به آن ورود پیدا نمی کند.

«اسرائیل دنبال آن بود که مسعود پزشکیان از نابودی اش بگوید باز هم خود را مظلوم نشان دهد. اما پزشکیان با سخنرانی خود دست اسرائیل را از پشت بست. این موضوعی است که غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی، نماینده سابق مجلس در گفت‌وگو با هم میهن «فشارها بر رئیس جمهور برای انتقام از اسرائیل» را بررسی کرد که در زیر آمده است:

در شرایط کنونی تندروها بر این عقیده‌اند که ضعف موضع گیری دولت طی این دو ماه موجب شد اسرائیل جرأت پیدا کند سیدحسن نصرالله را ترور کند. ارزیابی شما از فشارها برای انتقام از اسرائیل چیست؟

اتفاقاً آقای پزشکیان در زمین صهیونیست‌ها بازی نکرد. آنها آرزو داشتند که پزشکیان از نابودی اسرائیل صحبت کند و آن را بهانه کنند برای مواضع و حملات تندتر. زمان سخنرانی او کسی سالن اجلاس را ترک نکرد و حتی حضار برای او کف زدند. او از صلح صحبت کرد و چهره واقعی ایران را نشان داد نه چهره تندروها را. تندروها نان خود را از جنگ، دعوا و اختلاف می خوردند ولی پزشکیان از صلح و آشتی و عدم خونریزی هاصحبت کرد. اتفاقاً اگر پزشکیان مواضع تندمی گرفت چه با صهیونیست‌ها گستاخ تر می شدند و اتفاقات تلخ تری می افتاد. اما پزشکیان تقریباً دست آنها را از پشت بست. صهیونیست‌ها از این مواضع آچمز شدند. آنها فکر می کردند پزشکیان هم از نابودی اسرائیل می گوید و راه برای مظلوم نمایی نتانیاهو باز می شد و اجازه ضمنی از اعضای سازمان ملل می گرفت که هر کاری دلش می خواهد انجام دهد. قتل ناجوانمردانه سیدحسن نصرالله هیچ ربطی به این موضوعات ندارد و ادامه همان اتفاقات پس از حمله حماس به اسرائیل است. چه بسا مواضع پزشکیان بتواند یابانی برای گستاخی‌های صهیونیست‌ها و خونریزی‌هایش شود. پزشکیان عاقلانه، منطقی، درست و با سیاست و مدبرانه سخنرانی کرد.

در شرایط فعلی که خطر تشدید تنش خارجی و احتمال جنگ برای کشور وجود دارد، صدای واحد در نظام و نهادهای حاکمیتی ضروری به نظر می رسد. چطور می توان این صدای واحد را محقق کرد؟

واقعاً باید پایان دوره تندروها باشد. همانطور که در انتخابات با ورود رهبری تندروها مهار شدند، باز هم با ورود رهبری تندروها مهار شوند.

آنها فضای مجلس و حتی بیرون را متشنج می کنند. به نظر من تاریخ در آینده می نویسد که بیشتر این تندروها عامل صهیونیست‌ها هستند. وگرنه کدام آدم عاقلی به دنبال جنگ، تنش، دعوا، انزواطلبی

نگاه اصولگرا

حمیدرضا ترقی عضو شورای مرکزی حزب موتلفه:

پزشکیان بدانند رهبری فرمان جهاد داده است

رهبری و سیاستمدار کلی کشور باشد. در قانون اساسی وظیفه صلح و جنگ برعهده رهبری است، شخص دیگری حق ندارد از صلح یا جنگ حرفی بزند یا موضعی خلاف نظر رهبری بگیرد. آقای پزشکیان هم می گوید که می خواهد طبق قانون و طبق سیاست‌های کلان نظام عمل کند. او چنین پایبندی‌ای را اعلام کرده است چرا که رئیس جمهور در مجلس جهت حافظ قانون اساسی و پاسداری از آن قسم می خورد. بنابراین باید بدانند که تشویق جنگ و صلح با رهبری است. در حال حاضر رهبری فرمان جهاد داده و می گویند: «واجب شرعی و الهی است که همه به کمک ملت فلسطین بروند و از جنگ این جنایتکاران نجات بدهند.»

شما معتقدید کمک کردن به ملت فلسطین یعنی حکم جهاد؟

بله. حکم جهاد به چه معناست؟ حکم ایشان در سخنرانی شان در جمع پیشکسوتان کاملاً مشخص است.

رهبری از تمام جهان خواستند که به کمک فلسطین بروند.

فرق نمی کند. مگر ما جز مسلمانان جهان نیستیم؟ ما نافته جدا بافته‌ایم؟ وقتی رهبری به عنوان ولی امر مسلمین جهان حکمی می دهد، به این معنا نیست که دیگران کشته شوند و ما راحت استراحت کنیم. فرمان ایشان برای همه است. چطور یعنی‌ها، بحرینی‌ها و فلسطینی‌ها باید به فرمان ایشان گوش کنند اما ما که پرچمدار این مبارزه هستیم در خانه بمانیم و استراحت بکنیم و خوش بگذرانیم؟

اعزام نیروی گسترده باعث کشیدن جنگ به داخل مرزهای ایران نمی شود؟

آن هم به بهانه حمایت از حزب الله...

این اشتباه است که بگوییم اگر کاری به اسرائیل نداشته باشیم کاری به ما ندارد. بارها مقام معظم رهبری رسماً گفتند که ما حمایت، کمک و تصریح می کنیم، ما ابایی نداریم که بگوییم حمایت می کنیم. وقتی مستشاران ما آنجا هستند به معنای حمایت نظامی است. ما نمی خواهیم لشکر بفرستیم بلکه کسانی که بتوانند از لحاظ اطلاعاتی و امنیتی به نیروهای جنبه مقاومت کمک کنند را دروغ نکرده ایم. شهید نیلوفر نشان مستشار در لبنان و آقای زاهدی مستشار ما در سوریه نبودند؟ ما نمی توانیم کوتاه بیاییم چرا که اگر در آن خط مقدم کوتاه بیاییم قطعاً هدف ایران است. مگر در حال حاضر مقام معظم رهبری در لیست ترور اسرائیل قرار ندارد؟ اگر اسرائیل جنبه مقاومت و لبنان را می زند هدف اصلی ایران است. ما باید طوری موضع بگیریم که احساس نشود از مواضع خود عقب‌نشینی کرده‌ایم.

باید شاخصی برای ارزیابی دیدگاه‌ها داشته باشیم تا بتوان صحت و سقم این دیدگاه‌ها را مشخص کرد. به طور مشخص در نظام جمهوری اسلامی شاخص این نوع دیدگاه‌ها را رهبری تعیین می کنند. رهبری اولاً تجربه طولانی در برخورد با دشمنان انقلاب اسلامی دارند. ثانیاً شناختشان نسبت به دشمنان انقلاب اسلامی و شیوه‌های کار آنها از همه مسئولین کشور بیشتر و دقیق تر است. ثالثاً براساس دیدگاه‌های اسلامی شرعی و ایدئولوژیک درستی و غلطی هر کدام از این شیوه‌ها را تشخیص می دهند. لذا شاخص باید معیارهای مورد تاکید مقام معظم رهبری در این نوع مسائل باشد. اگر ما به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری توجه کنیم نگاه ایشان نسبت به قدرت سلطه‌گر آمریکا و صهیونیست‌ها و جنایات آنها کاملاً مشخص و شفاف است. از سوی دیگر وقتی که طرف ما از هیچ کوششی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و هیچ تلاشی برای نابودی جنبه مقاومت و کشتار مردان و زنان و کودکان بی گناه در غزه در لبنان و... دریغ نمی کند حرف زدن از موضع صلح طلبانه چه مفهومی دارد؟ کسی که اصلاً حاضر به صلح یا قرارداد برجامی نیست و به تعهداتش عمل نمی کند و حامی تمام جنایات صهیونیست‌هاست، از در صلح وارد شدن چه معنایی دارد؟ ما دشمن را می شناسیم و اگر بگوییم با کسی که برایمان دندان تیز کرده با زبان صلح بر خورد کنیم، حاکی از این است که دچار ضعف یا ترسو هستیم یا خود را حقیر و کوچک تلقی می کنیم.

دستیابی به یک صدای واحد در مجموعه نظام و نهادهای حاکمیتی در حوزه بین المللی در شرایط کنونی که کشور در خطر تشدید تنش خارجی و احتمال جنگ قرار دارد، چگونه محقق می شود؟

باید این صدای واحد باشد که نشأت گرفته از نگاه

مسلمین مبنی بر انتقام و مجازات سخت و تاکید بر پاسخ فوری، قاطع، پرتلاقت و بازدارنده به دشمن روبه زوال صهیونی، بیان می دارد سکوت بیش از حد برخی مسئولان جمهوری اسلامی به معنای تضعیف اضلاع جبهه بین المللی مقاومت در لبنان و فلسطین و ارسال سیگنال منفی برای سایر اضلاع در سایر کشورهاست. همچنین، با انتقاد از برخی مواضع و سخنان آقای مسعود پزشکیان رئیس محترم دولت چهاردهم در سفر به نیویورک، از ایشان می خواهیم با مشاهده ی واکنش‌های عملی و کلامی دشمنان ملت ایران، به سرعت درصدد جبران سهو لسان خود برآید.

در این بین البته چهره‌های اصولگرای سنتی و میانه‌روتر هم هستند که نگران این وضعیت هستند. مثلاً، جواد موگویی، مستندساز اصولگرا در پی این اختلافات نوشته است: «۱- جماعت «جلیلی‌پایداری»، استراتژی کنونی ایران را محصول دولت پزشکیان و ظریف اعلام می کنند! و حتی خواستار استیضاح پزشکیان شدند! در دولت رئیسی، ۳۰ هزار نفر در غزه به خاک و خون کشیده شدند. در دولت رئیسی، سیدرضی فرمانده عالی رتبه سپاه ترور شد. در دولت رئیسی، یمن بارها حزب الله روزانه بمباران می شد. در دولت رئیسی، یمن بارها بمباران شد. ایضاً عراق، چرا ایران آن موقع، تل آویوراً موشکیاران نکرد؟! چرا پاسخ سخت بازدارنده نداد که ترور زاهدی در سفارت رقم نخورد؟ حال، نکرده‌های دولت قبل را از دولت تازه تأسیس دو ماهه می خواهند؟! ۲۱- جنگ، عرصه بگومگوهای انتخاباتی نیست. استراتژی جبهه مقاومت در دستان فرمانده کل قواست و تابع دولت‌ها نیست. باید به فرمانده اعتماد کرد. ۳- در آتش کنونی جنگ، وفاق ملی اولین شرط مقاومت و پیروزی است. حملات جماعت جلیلی به دولت، اگر خط نفوذ رسانه‌ای صهیونیست‌ها نباشد، کینه‌ای از شکست انتخاباتی است که خلاف امنیت کشور و جبهه مقاومت است. مراقب باشید در این تله بازی نکنید.»

کدام واکنش؟

«واکنش ایران در زمان مناسب و به انتخاب ایران در برابر جنایات‌های رژیم صهیونیستی صورت خواهد گرفت و در سطح رهبری در سطح عالی حکومت حتماً تصمیم گیری خواهد شد.» این پاسخ محمد جواد ظریف، معاون راهبردی رئیس جمهور در پی سوالی دربار واکنش ایران به اعمال اسرائیل است که تصمیم گیری را به زمان مناسب موکول کرده است و این رسمی ترین پاسخی است که تاکنون از سوی مسئولان مطرح شده است. بماند که بهارستان نشینان و شورای شهری‌ها به جای نقش آفرینی در جایگاه مسئولان کشور که باید انسجام در سیاستگذاری‌های کشور و هم‌صدایی و تک‌صدایی را به جهان مخایره کنند، همسوی تندروترین جریان بنیادگرا در کشور شده‌اند و به نوعی بر طبل بی‌عرضگی دولت و جنگ خواهی‌ها می‌زنند. برخی فعالان سیاسی که احتمالاً دربار به مواجعه در سطح بین المللی از ضرورت هماهنگی و تدبیر در سطوح بالا به قدر کافی خبر دارند هم که فرصت را غنیمت شمرده و مقابل با دولت مستقر را در دستور کار قرار دادند. البته که برخی از آنها طوری از جنگیدن و اعزام و برخورد با اسرائیل سخن گفته‌اند که به نظر می‌رسد در دنیای واقعی نیستند و در تخیلات سینمایی حضور دارند. علیرضا علوی تبار در یادداشت‌اش با عنوان «اندوه لبنان» اشارات خوبی داشته است: «جنگ واقعیت دنیای ماست؛ واقعیتی کاملاً نامطلوب. باید از این واقعیت تا حد امکان گریخت. قوی بودن و توانایی بازدارندگی شرط لازم است اما شرط کافی نیست. اگر با توجه به تجربه جنگ سیاست خارجی خود را بازسازی نکنیم، مجبور به پذیرش وضعیتی خواهیم شد که برای ما بسیار نامقبول و حتی، تحقیرکننده خواهد بود.» باید با تدبیر امور و راهکار مناسب مانع از تحمیل خسارت به کشور و مردم شد و این یعنی وظیفه دولت‌ها در تامین منافع ملی و حفظ امنیت آنها.

این موضوع در حدود اختیارات رهبری است و ایشان باید دلواپسان را به صورت کلامی یا علنی مهار کنند چرا که شرایط فعلی منطقه شرایط بسیار حساسی است و صحیح نیست که در موقعیتی که ما دچار فشارهای منطقه‌ای هستیم از درون هم رئیس جمهور را تحت فشار قرار بدهند. اما از آنجا که اصولگرایان برای بقای خود ناچارند نارسایی‌ها را به گردن رئیس جمهور بیاورند، اگر تنها راه رسیدن به وفاق در اختیار رهبری است که آرامش را به جامعه بدهند و با اظهار نظر رسمی، از فشارها و اظهار نظرهای این چنینی پیشگیری کنند. فضای داخلی دچار لرزش و نوسان است که می‌تواند به حملات بیشتر تبدیل شود.

برخی از تندروها بر این عقیده‌اند که رهبری با این پیام که مسلمانان جهان کنار لبنان بایستند، حکم جهاد صادر کرده است. آیا این اظهار نظر رهبری به منزله حکم جهاد است؟

چنین چیزی نیست. این پیام برای جلب همدردی کشورهای مسلمان بود اما کشورهای عرب با سیدحسن نصرالله روابط خوبی نداشته‌اند. در سال ۲۰۰۶ که سیدحسن نصرالله پیروز شد کشورهای عرب با گونی برایش دلار می‌پردند، اما پس از حمایت از بشار اسد در سال ۲۰۱۱ روابط با کشورهای عربی رو به افول گذاشت و در ترور او برخی از کشورهای عربی به اظهار نظرهای معمولی اکتفا کردند و بسیاری هم به روی خودشان نیاوردند.